

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۹۵

آیه ۶۸ - ۶۹

آیه و ترجمه

۶۸ و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یعرشون

۶۹ ثم کلی من کل الثمرت فاسلکی سبل ربک ذللا یرج من بطونها شراب مختلف ءلونه فیه شفاء للناس ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون

ترجمه :

۶۸ - پروردگار تو به زنبور عسل وحی (الهام غریزی) فرستاد که از کوهها و درختان و داربستهائی که مردم می سازند خانه هائی برگزین!

۶۹ - سپس از تمام ثمرات تناول کن، و راههائی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بییما، از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می شود، به رنگهای مختلف، که در آن شفای مردم است در این امر نشانه روشنی است برای جمعیتی که اهل فکرند!

تفسیر :

پروردگارت به زنبور عسل وحی فرستاد!

در اینجا لحن قرآن به طرز شگفت انگیزی تغییر می یابد و در عین ادامه دادن بحثهای پیشین در زمینه نعمتهای مختلف الهی و بیان اسرار آفرینش سخن از «زنبور عسل» (نحل) و سپس خود عسل به میان می آورد، اما در شکل یک

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۹۶

ماء موریت الهی و الهمام مرموز که نام وحی بر آن گذارده شده است، نخست می گوید:

«پروردگار تو به زنبور عسل، وحی کرد که خانه هائی از کوهها و درختان و داربستهائی که مردم می سازند انتخاب کن» (و اوحی ربک الی النحل ان اتخذی من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یعرشون).

در این آیه به چند تعبیر برخورد می کنیم که همه درخور دقت است:

۱ - کلمه وحی در اصل چنانکه راغب در مفردات می گوید: به معنی اشاره سریع است سپس به معنی القا کردن مخفیانه سخنی آمده است، ولی در قرآن مجید وحی در معانی مختلفی به کار رفته، که همه بازگشت به همان معنی اصلی می کند:

از آن جمله وحی نبوت است که در قرآن، فراوان از آن یاد شده است، در آیه ۵۱ سوره شوری می خوانیم: و ما کان لبشر ان یکلمه الله الا وحیا... «خداوند با هیچ انسانی جز از طریق وحی سخن نمی گوید...» و نیز وحی به معنی الهام است، خواه الهام خود آگاه باشد (در مورد انسانها) مانند و اوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم (قصص - ۷): «ما به مادر موسی الهام کردیم که نوزادت راشیر ده و هرگاه از دستیابی دشمنان بر او ترسیدی او را به آغوش امواج دریا بسپار» و خواه به صورت ناآگاه و الهام غریزی باشد، چنانکه در مورد زنبور عسل در آیات فوق خواندیم، زیرا مسلم است، وحی در اینجا همان فرمان غریزه و انگیزه های ناخودآگاهی است که خداوند در جانداران مختلف آفریده است. و نیز وحی به معنی اشاره است چنانکه در داستان ذکر یا می خوانیم فاوحی الیهم ان سبحوا بکرة و عشیا «ذکر یا به مردم با اشاره گفت صبح

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۹۷

و شام، تسبیح خدا گوئید» (مریم - ۱۱). و نیز به معنی رساندن مخفیانه پیام و خبر آمده است، چنانکه در آیه ۱۱۲ سوره انعام می خوانیم یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا: «شیاطین انسانی و غیر انسانی مطالب فریبنده و گمراه کننده رابطور مرموز به یکدیگر می رسانند».

۲ - آیا الهام غریزی مخصوص زنبوران عسل است؟

در اینجا این سؤال پیش می آید که غرائز و یا الهام غریزی منحصر به زنبوران عسل نیست و در همه حیوانات وجود دارد، چرا تنها در اینجا این تعبیر آمده است؟

اما با توجه به یک نکته پاسخ این سؤال روشن می شود و آن اینکه: امروز که زندگی زنبوران عسل دقیقا از طرف دانشمندان مورد بررسی عمیق قرار گرفته ثابت شده است که این حشره شگفت انگیز آنچنان تمدن و زندگی اجتماعی شگفت انگیزی دارد که از جهات زیادی بر تمدن انسان و زندگی

اجتماعی او پیشی گرفته است.

البته کمی از زندگی شگرفش در گذشته روشن بوده، ولی هرگز مثل امروز ابعاد مختلف آن که هر یک از دیگری عجیبر است شناخته نشده بود، قرآن به طرز اعجاز آمیزی با کلمه وحی به این موضوع اشاره کرده است، تا این واقعیت را روشن سازد که زندگی زنبوران عسل را هرگز نباید با انعام و چهار پایان و مانند آنها مقایسه کرد، و شاید همین انگیزه ای شود که به درون جهان اسرار آمیز این حشره عجیب گام بگذاریم و به عظمت و قدرت آفریدگارش آشنا شویم، و این است رمز دگرگون شدن لحن کلام در این

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۹۸

آیه نسبت به آیات گذشته.

۳ - قبل از هر چیز خانه سازی

نخستین ماموریت زنبوران در این آیه ماموریت خانه سازی ذکر شده، و این شاید به خاطر آن است که مسأله مسکن مناسب نخستین شرط زندگی است و به دنبال آن فعالیت های دیگر امکان پذیر می شود، و یا به خاطر آنکه ساختمان خانه های شش ضلعی زنبوران عسل که شاید میلیون ها سال است به همین شکل در شرق و غرب جهان ادامه دارد از عجیب ترین برنامه های زندگی آنها است و حتی شاید از ساختن خود عسل عجیبر است، چگونه این ماده مومی مخصوص را تهیه می کند؟ و چگونه این خانه های شش ضلعی را با ظرافت و مهندسی فوق العاده دقیقی می سازد؟ خانه هایی که نقشه آن بسیار حساب شده و زوایای آن کاملاً دقیق و یکسان است، اساساً برای استفاده کامل از یک سطح به گونه ای که هیچ قسمتی از آن، هدر نرود و یا زوایای تنگ و تاریکی پیدانکند، راهی بهتر از انتخاب خانه های شش ضلعی با زوایای مساوی نیست، به اضافه این نوع خانه از استحکام خاصی برخوردار است.

۴ - انتخاب این خانه ها، چنانکه قرآن در آیه فوق می گوید: گاهی در کوهها است، در لابلای صخره های غیر قابل عبور، و شکاف های مخصوص سنگهائی که آمادگی برای این هدف دارند و گاهی در لابلای شاخه های درختان، و گاهی در کندو هائی که انسانها بر فراز داربستها در اختیارشان می گذارند.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۲۹۹

ضمنی از این تعبیر استفاده می‌شود که لانه و کندوی عسل باید در نقطه مرتفعی از کوه و درخت و داربست باشد تا به خوبی بتواند از آن استفاده کند.

بعد دومین ماموریت زنبور عسل شروع می‌شود چنانکه قرآن می‌گوید: «سپس ما به او الهام کردیم که از تمام ثمرات تناول کن» (ثم کلی من کل الثمرات).

«و راهبانی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بپیما» (فاسلکی سبل ربک ذللاً).

«ذلّل» جمع ذلول به معنی تسلیم و رام باشد، و توصیف راهبها به ذلل به خاطر آنست که این جاده‌ها آنچنان دقیقاً تعیین شده که در برابر زنبوران عسل کاملاً رام و تسلیمند که بعداً به چگونگی آن اشاره خواهیم کرد.

سرانجام آخرین مرحله ماموریت آنها را (به صورت یک نتیجه) اینچنین بیان می‌کند: «از درون زنبوران عسل نوشیدنی مخصوصی خارج می‌شود که رنگهای مختلفی دارد» (یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه).

«در این شراب حلال، داروی شفا بخش مهمی برای مردم است» (فیه شفاء للناس).

«و در این ماجرای برنامه زندگی زنبوران عسل و ارمغانی که آنها برای جهان انسانیت می‌آورند، که هم غذا است، هم شفا و هم درس زندگی، نشانه روشنی از عظمت و قدرت پروردگار است برای آنهایی که تفکر و اندیشه می‌کنند» (ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون).

در این آیه نیز نکات پر معنی و قابل ملاحظه‌ای است:

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۰

۱ - عسل از چه ساخته می‌شود؟

زنبوران عسل معمولاً از ماده قندی مخصوصی که در ریشه گلها قرار داده شده است می‌مکند و آنرا جمع‌آوری می‌کنند، ولی زنبورشناسان می‌گویند کار زنبوران تنها استفاده از این ماده قندی بن گلها نیست، بلکه احیاناً از تخمدان گلها و دمبرگها و میوه‌ها نیز استفاده می‌کنند که قرآن از همه اینها تعبیر به «من کل الثمرات» (همه میوه‌ها) کرده است.

جمله عجیبی که از «مترلینگ» دانشمند زیست‌شناس نقل شده، اهمیت تعبیر قرآن را آشکار می‌سازد آنجا که می‌گوید: «همین امروز اگر زنبور

عسل (اعم از وحشی و اهلی) از بین برود یکصد هزار نوع از گیاه‌ها و گل‌ها و میوه‌های ما از بین خواهد رفت، و از کجا که اصولاً تمدن ما از بین نرود؟ (زیرا نقش زنبوران عسل در جابجا کردن گرده‌های نرگلها و بارور ساختن گیاهان ماده و به دنبال آن پرورش یافتن میوه‌ها آنقدر عظیم است که بعضی از دانشمندان حتی آنرا از عسل سازی زنبوران هم مهمتر می‌دانند). در حقیقت آنچه را زنبوران عسل از آن می‌خورند، بالقوه انواع میوه‌هائی است که به کمک آنها، شکل می‌گیرد و با این حال چه پر معنی است کلمه «کل الثمرات».

۲ - راههای مطمئن و رام!

زنبورشناسان با مطالعاتی که روی این حشره انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که صبحگاهان گروهی از زنبوران که ماموران شناسائی گل‌ها هستند از کندو بیرون می‌آیند و مناطق مختلف پر گل را کشف کرده و به کندو باز می‌گردند و به اطلاع دیگران می‌رسانند، حتی سمت و جهت آنرا مشخص کرده و فاصله آن را نیز از کندو به اطلاع هموطنان خود می‌رسانند.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۱

زنبوران برای رسیدن به منطقه گل‌ها گاهی راه خود را نشانه‌گذاری می‌کنند، و از طریق پراکندن بوهای مختلف در مسیر راه، و مانند آن، چنان راه را مشخص می‌کنند که کمتر امکان دارد زنبوری سرگردان شود!

جمله فاسلکی سبل ربک ذللا (در جاده‌های پروردگارت که رام و تسلیم تو است گام بگذار) گویا اشاره به این واقعیت است.

۳ - عسل در کجا ساخته می‌شود؟

شاید هنوز بسیاری از افراد فکر می‌کنند که برنامه کار زنبوران عسل این است که شیره گل‌ها را مکیده و در دهان خود جمع و در کندو ذخیره می‌کنند، در حالی که چنین نیست آنها شیره‌های گل‌ها را به بعضی از حفره‌های درون بدن خود که زنبورشناسان به آن، چینه‌دان می‌گویند می‌فرستند، و در آنجا که حکم یک کارخانه کوچک مواد شیمیائی دارد تغییر و تحولاتی پیدا کرده، شهد گل‌ها به عسل تبدیل می‌گردد، و مجدداً زنبور، عسل ساخته شده را از بدن خود بیرون می‌فرستد.

عجیب اینکه سوره نحل، از سوره‌های مکی است و می‌دانیم در منطقه مکه نه

گل و گیاهی وجود دارد و نه زنبوران عسل، ولی قرآن با این دقت و ظرافت از آن سخن می گوید و با تعبیر جالبی مانند یخرج من بطونہا شراب مختلف الوانہ: «از درون زنبوران مایعی خارج می شود به رنگهای مختلف» حتی به ریزه کاریهای ساختن عسل نیز اشاره کرده است.

۴ - رنگهای مختلف عسل

رنگ عسل، بر حسب آنکه زنبور بر چه گل و ثمره ای نشسته و از آن بهره گیری کرده باشد تفاوت می کند، به همین جهت در پاره ای از موارد قهوه ای تیره، و گاهی نقره ای سفید، و گاهی بیرنگ، و گاهی زرد رنگ، گاهی شفاف، زمانی

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۲

تیره، گاهی زرد طلایی، زمانی خرمائی و حتی گاهی، مایل به سیاهی است! این تنوع رنگها علاوه بر این که گویای تنوع سرچشمه های بدست آوردن عسل است، تنوعی برای ذوقها و سلیقه ها نیز محسوب می شود زیرا امروز ثابت شده است که رنگ غذا در تحریک اشتهای انسان بسیار مؤثر است، قدیمی ها نیز گویا این مسأله روانی را شناخته بودند که غذاهای خود را با زعفران و زردچوبه و رنگهای دیگر رنگین می ساختند، تا از طریق بصری نیز میهمانانشان را به خوردن غذا تشویق نمایند، در کتب غذاشناسی در این زمینه بحث فراوان کرده اند که نقل همه آنها مناسب با بحث فشرده تفسیری ما نیست.

۵ - عسل یک ماده فوق العاده شفا بخش

می دانیم در گلها و گیاهان، داروهای حیات بخشی نهفته شده است که هنوز معلومات ما - با اطلاعات وسیعی که از داروهای گیاهی داریم - نسبت به آن ناچیز است، و جالب اینکه دانشمندان از طریق تجربه به این حقیقت رسیده اند که زنبوران به هنگام ساختن عسل آنچنان ماهرانه عمل می کنند که خواص درمانی و داروئی گیاهان کاملاً به عسل منتقل شده و محفوظ می ماند!

روی همین جهت عسل دارای بسیاری از خواص درمانی گلها و گیاهان روی زمین بطور زنده است.

دانشمندان برای عسل، خواص بسیار زیادی گفته اند که هم جنبه درمانی دارد و هم پیشگیری و نیرو بخش.

عسل زود جذب خون می شود و به همین جهت نیرو بخش است و درخونسازی فوق العاده مؤثر.

عسل از ایجاد عفونت در معده و روده جلوگیری می نماید.
عسل بر طرف کننده یبوست است.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۳

عسل برای کسانی که دیر بخواب می روند اثر بسیار مطلوبی دارد (مشروط بر اینکه کم نوشیده شود زیرا زیاد آن خواب را کم می کند).
عسل برای رفع خستگی و فشردگی عضلات اثر قابل ملاحظه ای دارد.
عسل اگر به زنان بار دار داده شود، شبکه عصبی فرزندانشان قوی خواهد شد.
عسل میزان کلسیم خون را بالا می برد.
عسل برای کسانی که دستگاه گوارش ضعیفی دارند نافع است، مخصوصا برای کسانی که به نفخ شکم مبتلا هستند توصیه می شود.
عسل به علت اینکه زود وارد مرحله سوخت و ساز بدن می شود، می تواند بفوریت انرژی ایجاد کند و ترمیم قوا نماید.
عسل در تقویت قلب مؤثر است.
عسل برای درمان بیماریهای ریوی کمک کننده خوبی است.
عسل به خاطر خاصیت میکرب کشی اش برای مبتلایان به اسهال مفید است.
عسل در درمان زخم معده و اثنی عشر عامل مؤثری شمرده شده است.
عسل به عنوان داروی معالجه رماتیسم، نقصان قوه نمو عضلات، و ناراحتیهای عصبی شناخته شده.
عسل برای رفع سرفه مؤثر است، و صدا را صاف می کند.
خلاصه خواص درمانی عسل بیش از آن است که در این مختصر بگنجد.
علاوه بر این از عسل داروهائی برای لطافت پوست و زیبایی صورت، طول عمر ورم دهان و زبان، ورم چشم، خستگی و ترک خوردگی پوست و مانند آن می سازند.
مواد ویتامینهای موجود در عسل بسیار است، از مواد معدنی: آهن، فسفر، پتاسیم، ید، منیزیم، سرب، مس، سولفور، نیکل، روی، سدیم، و غیر آنست،

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۴

از مواد آلی: صمغ، پولن، اسید لاکتیک، اسید فورمیک، اسید سیتریک، اسید تاتاریک و روغنهای معطر، و از ویتامینها دارای ویتامینهای ششگانه - آ - ب -

ث - د - کا - ا - می باشد، بعضی نیز قائل به وجود ویتامین پ ب در عسل هستند.

عسل در خدمت درمان، بهداشت، و زیبایی انسانها است. در روایات اسلامی نیز روی خاصیت درمانی عسل تکیه شده است، در روایات متعددی از امام علی (علیه السلام) و امام صادق (علیهما السلام) و بعضی دیگر از معصومین نقل شده که فرمودند ما استشفی الناس بمثل العسل: «مردم به چیزی مانند عسل استشفاء نمی کنند» و به تعبیر دیگر: لم يستشف مریض بمثل شربة عسل: «هیچ بیماری به مانند شربت عسل درمان نکرده است». و نیز در احادیث عسل برای درمان دل درد توصیه گردیده و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده من شرب العسل فی کل شهر مرة یرید ما جاء به القرآن عوفی من سبع و سبعین داء: «کسی که (لا اقل) هر ماه یکبار عسل بنوشد، و شفائی را که قرآن از آن یاد کرده بطلبد، خدا او را از ۷۷ نوع بیماری شفا می بخشد»!

ولی البته از آنجا که هر حکم عامی، استثنائی دارد، موارد نادری وجود دارد که نوشیدن عسل در آن نهی شده است.

۶ - برای انسانها (للناس)

جالب اینکه زنبورشناسان می گویند زنبور عسل برای رفع گرسنگیش کافی است که دو و یا سه گل را بمکد در حالی که در هر ساعت بطور متوسط روی دویست و پنجاه گل می نشیند و کیلومترها راه می رود و آنقدر پر کار است که در مدت عمر کوتاهش هر یک مقدار معتنا بهی عسل تولید می کنند.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۵

و به هر حال این تلاش و فعالیت چشمگیر او دلیل این است که او تنها برای خود کار نمی کند بلکه آنچنانکه قرآن می گوید للناس و برای همه انسانها تلاش می کند.

۷ - مسائل جالب دیگری درباره عسل

این نکته امروز ثابت شده است که عسل هرگز فاسد نمی شود، یعنی از غذاهائی است که همیشه تازه و زنده بدست ما می رسد، و حتی ویتامینهای موجود خود را هرگز از دست نمی دهد، علت این موضوع را دانشمندان وجود پتاسیم می دانند که در آن بطور فراوان وجود دارد و مانع رشد میکربها است، و علاوه بر آن دارای مقداری مواد ضد عفونی کننده مانند اسیدفورمیک نیز هست لذا

عسل هم خاصیت جلوگیری از رشد میکرب دارد و هم میکرب کش است، و به همین جهت مصریان قدیم که از این خاصیت عسل آگاه بودند برای مومیائی کردن مردگان خود از آن استفاده می کردند!

عسل را نباید در ظرفهای فلزی ذخیره کرد، این مطلبی است که دانشمندان به ما می گویند و جالب اینکه قرآن به هنگامی که از زنبوران عسل سخن می گوید می فرماید «(من الجبال بیوتا و من الشجر و مما یرشون)» یعنی خانه های زنبوران عسل را تنها در سنگها و چوبها خلاصه می کند.

نکته مهم دیگر اینکه برای رسیدن به خواص درمانی و بهداشتی عسل باید هرگز آنرا حرارت ندهند و به صورت پخته در میان غذاهای دیگر استفاده نکنند، بعضی معتقدند تعبیر قرآن به شراب (نوشیدنی) در مورد عسل اشاره به همین نکته که آنرا باید نوشید.

و نیز این نکته قابل ملاحظه است که نیش زنبوران عسل نیز خاصیت درمانی دارد البته زنبور عسل با آن طبع لطیفی که دارد بی جهت به کسی نیش

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۶

نمی زند، این ما هستیم که آنها را تحریک کرده و به نیش زدن وادار می کنیم. از جمله اینکه زنبوران عسل از بوی بد ناراحت می شوند و هر گاه صاحب زنبوران با دست آلوده و لباس بد بو به کندو نزدیک شود او را از نیش بی بهره نمی گذارند، مخصوصا اگر صاحب زنبوران قبلا دست خود را در کندوی دیگری کرده باشد و بوی کندوی بیگانه در دست او است، به مجرد اینکه دست در کندوی دیگری می کند به او حمله میکنند! و به همین جهت باید قبلا دست خود را کاملا بشوید.

البته زنبور به هنگامی که نیش بزند می میرد و بنابر این نیش زدن او یکنوع خودکشی است!، استفاده از نیش زنبور عسل برای بیماریهایی مانند رماتیسم، مالاریا، درد اعصاب و بعضی دیگر از امراض باید طبق برنامه های باشد که دانشمندان این فن بیان کرده اند، و گرنه نیش زنبوران عسل احیانا ممکن است زیان و حتی خطر هم داشته باشد!

گزش یک یا چند زنبور معمولا قابل تحمل است، ولی دویست تا سیصد عدد زنبور باعث مسمومیت و ناراحتی قلبی می شود و اگر تعدادشان به پانصد عدد برسد، موجب فلج دستگاه تنفسی و احتمالا مرگ خواهد شد.

در گذشته کمتر و امروز بر اثر مطالعات پیگیر دانشمندان بسیار بیشتر، این نکته ثابت شده است که زنبوران عسل دارای زندگی بسیار منظم توأم با برنامه‌ریزی و تقسیم کار و مسئولیت و نظام بسیار دقیق است. شهر زنبوران از پاکترین، منظمترین و پرکارترین شهرها است، شهری است که بر خلاف همه شهرهای انسانها، بیکار و فقیر ندارد و از تمدن درخشانی برخوردار است از افراد متخلف و وظیفه‌شناس در این شهر کمتر اثر دیده می‌شود، و اگر

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۰۷

زنبورانی ندرتا در بیرون کندو بر اثر سهل‌انگاری از گلهای بدبو و زیانبخش استفاده کنند در همان دروازه کندو بازرسی و ضمن یک محاکمه صحرائی محکوم به اعدام می‌گردند!

«مترلینگ دانشمند زیستشناس بلژیکی که مطالعات فراوانی در رابطه با زندگی زنبوران عسل کرده، درباره نظام عجیبی که بر شهر آنها حکمفرما است چنین می‌گوید: ملکه (یا صهیحتر مادر کندو) در شهر زنبوران عسل آنطور که ما تصور می‌کنیم فرمانفرما نیست، بلکه او نیز مثل سایر افراد این شهر مطیع قواعد و نظامات کلی می‌باشد.

ما نمی‌دانیم که این قوانین و نظامات از کجا وضع می‌شود، و به انتظار این هستیم شاید روزی بتوانیم به این موضوع پی ببریم، و واضع این مقررات را بشناسیم، ولی فعلا بطور موقت آنرا به نام «روح کندو» می‌خوانیم! ملکه نیز مانند دیگران از روح کندو اطاعت می‌کند.

ما نمی‌دانیم روح کندو در کجاست؟ و در کدامیک از سکنه شهر عسل حلول کرده است؟

ولی میدانیم روح کندو شبیه به غریزه پرندگان نیست، و نیز می‌دانیم که روح کندو یک عادت و اراده کورکورانه نژاد زنبور عسل نمی‌باشد، روح کندو وظیفه هر یک از سکنه شهر را بر طبق استعدادشان معلوم می‌کند و هر کس را به یک کار می‌گمارد.

روح کندو به زنبوران مهندس و بنا و کارگر دستور می‌دهد خانه بسازند روح کندو در روز و ساعت معین به تمام سکنه شهر دستور می‌دهد که از شهر مهاجرت نمایند، و برای بدست آوردن مسکن و ماوای جدید، خود را بدست حوادث نامعلوم و انواع مشقتها بسپارند!

ما نمی‌توانیم بفهمیم قوانین شهر غسل که بوسیله روح کندو وضع شده در کدام مجمع شورا مطرح می‌گردد و تصمیم به اجرای آن می‌گیرند و کیست که فرمان حرکت را در روز معین صادر می‌کند؟ آری در کندو مقدمات مهاجرت برای اطاعت خدائی که سرنوشت زنبور غسل را در دست گرفته فراهم می‌شود».

اگر دانشمندان مزبور به خاطر رسوباتی که از مکتب مادی گرایان در فکر او وجود داشته با ابهام از این مسأله سخن می‌گویند ما با توجه به راهنمایی قرآن، بسیار خوب درک می‌کنیم که این همه آوازه‌ها و برنامه‌ها از کجاست و تنظیم کننده و فرمان دهنده کیست؟! چه تعبیر زیبایی قرآن دارد و اوحی ربک الی النحل...: «پروردگارت به زنبور غسل وحی و الهام فرستاد...»!

از این رساتر و جامع‌تر و گویاتر تصور نمی‌شود. هر چند آنچه درباره زنبوران غسل ناگفته ماند بسیار بیش از آنست که گفتیم اما روش تفسیری ما اجازه نمی‌دهد که بیش از این مقدار، موضوع فوق را دنبال کنیم. ولی آیا همین مقدار که گفتیم برای پی بردن به عظمت پروردگار برای آنها که اهل فکر و اندیشه‌اند کافی نیست؟ آری ان فی ذلک لایة لقوم یتفکرون.

آیه ۷۰-۷۲

آیه و ترجمه

و الله خلقکم ثم یتوفئکم و منکم من یرد الی اءرذل العمر لکی لا یعلم بعد علم شیا ان الله علیم قدیر ۷۰ و الله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق فما الذین فضلوا برادی رزقهم علی ما ملکت اءیمنهم فهم فیه سواء اء فبنعمة الله یجحدون ۷۱ و الله جعل لکم من اءنفسکم اءزوجا و جعل لکم من اءزوجکم بنین و حفدة و رزقکم من الطیب اء فبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون ۷۲

ترجمه :

۷۰ - خداوند شما را آفرید، سپس شما را می‌میراند، بعضی از شما به سنین بالای عمر می‌رسند، بطوری که بعد از علم و آگاهی چیزی نخواهند دانست

(و همه چیز را فراموش می کنند) خداوند عالم و قادر است.
۷۱ - خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از نظر روزی برتری داد (چرا که استعدادها و تلاشهایتان متفاوت است) اما آنها که برتری داده شده اند حاضر نیستند، از روزی خود به بردگانشان بدهند و همگی مساوی گردند، آیا آنها نعمت خدا را انکار می کنند؟
۷۲ - و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و برای شما از همسرا

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۰

فرزندان و نوه ها، و از طیبات به شما روزی داد، آیا به باطل ایمان می آورند و نعمت خدا را انکار می کنند!

تفسیر :

سرچشمه تفاوت روزیها

از آنجا که در آیات گذشته بخشی از نعمتهای مهم الهی و مواهب گوناگونی که در جهان گیاهان و حیوانات آفریده شده است بیان گردید، تا از این راه مردم به آفریننده این همه نعمتها و نظام دقیق آنها آشنا شوند، آیات مورد بحث نیز از طریق دیگری مسأله اثبات خالق یکتا را تعقیب می کند و آن از طریق دگرگونی و تغییرات نعمتها است که از اختیار انسان بیرون است و نشان میدهد از ناحیه دیگری مقدر می شود.

نخست می گوید: خداوند شما را آفرید» (و الله خلقکم).

«سپس روح شما را می گیرد و مرگتان فرا می رسد (ثم یتوفاکم).

هم حیات از ناحیه او است، و هم مرگ، تا بدانید این شما نیستید که آفریننده مرگ و حیاتید.

مقدار طول عمر شما نیز در اختیارتان نیست، بعضی در جوانی یا نزدیک به پیری از دنیا می روند ولی بعضی از شما به بالاترین و بدترین سالیان عمر یعنی نهایت پیری باز می گردند» (و منکم من یرد الی ارذل العمر).

«و نتیجه این عمر طولانی آن خواهد شد که بعد از علم و دانش و آگاهی

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۱

چیزی نخواهد دانست و همه را بدست فراموشی می سپارد (لکی لایعلم بعد

علم شیئا).

درست مانند آغاز عمر و سنین کودکی که یکپارچه نسیان بود و فراموشکاری و ناآگاهی، آری خداوند آگاه و قادر است» (ان الله علیم قدیر).

همه قدرتها در اختیار او است و به هر مقدار که صلاح بداند میبخشد و به هر موقع که لازم ببیند می گیرد.

در آیه بعد نیز ادامه می دهد که حتی روزیهای شما بدست شما نیست، این خداوند است که بعضی از شما را بر بعض دیگر از نظر روزی برتری می دهد (و الله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق).

«اما آنها که برتری یافته اند به خاطر تنگ نظری حاضر نیستند از آنچه در اختیار دارند به بندگان مملوک خود بدهند و آنها را در اموال خویش شریک سازند تا آنها نیز با شما مساوی گردند (فما الذین فضلوا برادی رزقهم علی ما ملکتم ایمانهم فهم فیه سواء).

بعضی از مفسران احتمال داده اند که این جمله اشاره به پاره ای از اعمال احمقانه مشرکان باشد که برای بتها و آلهه خود، سهمی از چهارپایان و کشت و زرع خود قائل بودند، در حالی که این سنگ و چوبهای بیارزش کمترین نقشی در زندگی آنها نداشتند، ولی حاضر نبودند همان را در اختیار بردگان

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۲

بیچاره ای بگذارند که شب و روز به آنها خدمت می کردند.

آیا ایجاد تفاوت با عدالت سازگار است؟

در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا ایجاد تفاوت و اختلاف از نظر رزق و روزی در میان مردم با اصول عدالت پروردگار و مساواتی که باید بر نظام جوامع بشری حاکم باشد، سازگار است؟

در پاسخ این سؤال باید به دو نکته دقیقاً توجه داشت:

۱ - بدون شک اختلافی که در میان انسانها از نظر بهره های مادی و درآمدها وجود دارد قسمت مهمش مربوط به تفاوت استعدادها و آنهاست، این تفاوت استعدادها و جسمانی و روحانی که سرچشمه تفاوت در کمیت و کیفیت فعالیت های اقتصادی می شود بهره بعضی را بیشتر و در آمد بعضی را کمتر می کند.

البته تردیدی نیست که گاهی صرفاً حوادثی که از نظر ما جنبه تصادف دارد

سبب می‌شود که بعضی به مواهب بیشتری دست یابند، ولی اینها را میتوان امور استثنائی شمرد، آنچه پایه و ضابطه اصلی در غالب موارد است، همان تفاوت در کمیت یا کیفیت تلاشها است (البته موضوع بحث ما یک جامعه سالم و خالی از استثمار و بهره‌کشیهای ظالمانه است، نه جوامع منحرف که از قوانین آفرینش و نظام انسان برکنارند). حتی کسانی را که گاهی ما آنها را انسانهای بی دست و پا و بی‌عرضه‌های می‌پنداریم و از اینکه در آمدهای قابل ملاحظه‌ای دارند تعجب می‌کنیم اگر با دقت بیشتری دو جسم و روان و اخلاق آنها ببیندیشیم و قضاوتهائی که از مطالعات سطحی سرچشمه می‌گیرد، دور بی‌فکنیم، خواهیم دید که آنها غالباً نقطه قوتی داشته‌اند که به جایی رسیده‌اند (باز تکرار می‌کنیم موضوع بحث ما جامعه سالمی است که از استثمار دور باشد).

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۳

به هر حال این تفاوت درآمدها از تفاوت استعدادهای سرچشمه می‌گیرد که آن هم نیز از مواهب الهی است، ممکن است در پاره‌ای از موارد اکتسابی باشد ولی در پاره‌ای از موارد نیز قطعاً غیر اکتسابی است، بنابر این حتی در یک جامعه سالم از نظر اقتصادی نیز تفاوت درآمدها غیر قابل انکار است، مگر اینکه بتوانیم انسانهای قالبی هم شکل و هم رنگ و هم استعداد بسازیم که هیچگونه تفاوتی با هم نداشته باشند و تازه اول درد سر و مشکلات است! ۲ - بدن یک انسان، یا اندام یک درخت، یا یک بوته گل را در نظر بگیرید، آیا امکان دارد این ساختمان موزون با تساوی میان اعضاء و اندامها از هر نظر پیدا شود؟ آیا قدرت مقاومت و استعداد ریشه درختان می‌تواند با گلبرگهای لطیف شکوفه‌ها، و استخوان پاشنه پا با پرده‌های ظریف شبکیه چشم از هر نظر یکسان باشد؟ و اگر ما بتوانیم آنها را یکسان کنیم آیا فکر میکنید کار صحیحی انجام داده‌ایم؟!

اگر از «شعارهای» کاذب و خالی از «شعور» بگذریم، فرض کنید ما یک روز بتوانیم همان انسانها قالبی و خیالی از هر نظر بسازیم و کره زمین را از پنج هزار میلیون نفر انسان هم شکل و همقواره و هم ذوق و همفکر و همسان از هر نظر، درست مانند سیگارهایی که به یک کارخانه سفارش داده‌اند، پر کنیم. آیا آن روز زندگی خوبی نصیب انسانها خواهد شد؟ مسلماً نه، جهنمی پیدا می‌شود که همه در آن در زحمت خواهند بود، همه به یکسو حرکت می‌کنند،

همه یک چیز می خواهند همه یک پست می طلبند، همه یکنوع غذا را دوست دارند، و همه می خواهند یک کار واحد انجام دهند.

بدیهی است خیلی زود عمر چنین زندگی پایان می یابد و بفرض باقی بماند زندگی خسته کننده بی روح و یکنواختی خواهد بود که چندان تفاوتی با مرگ ندارد.

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۴

بنابر این وجود تفاوت در استعدادها و آنچه لازمه این تفاوت است، برای حفظ نظام جامعه و حتی برای پرورش استعدادهای مختلف، نهایت لزوم را دارد، و شعارهای کاذب هرگز نمی تواند جلو این واقعیت را بگیرد.

اما مبادا این سخن را چنین تفسیر کنید که ما جامعه طبقاتی و نظام استثمار و استعمار را با این سخن می پذیریم، نه، هرگز، منظور تفاوتهای طبیعی است و نه مصنوعی و تفاوتهایی است که در عین حال مکمل یکدیگر و معاون یکدیگر بوده باشند، نه سدی بر سر راه پیشرفت یکدیگر ایجاد کنند و به تجاوز و تعدی بپردازند.

اختلاف طبقاتی (توجه داشته باشید منظور از طبقات همان مفهوم اصطلاحی آن یعنی طبقه استثمار کننده و استثمار شونده است) هرگز موافق نظام آفرینش نیست، آنچه موافق و هماهنگ نظام آفرینش است، تفاوت استعدادها و تلاشها و کوششها است و میان این دو از زمین تا آسمان فرق است (دقت کنید). و به تعبیر دیگر، تفاوت استعدادها باید در مسیر سازنده به کار افتد، درست مانند تفاوت ساختمان اعضاء یک بدن، یا اندام یک گل، آنها در عین تفاوت معاون یکدیگرند، نه مزاحم یکدیگر.

کوتاه سخن اینکه: نباید تفاوت استعدادها و درآمدها باعث سوءاستفاده در راه ایجاد جامعه طبقاتی گردد.

و به همین دلیل در پایان آیه مورد بحث میفرماید: آیا آنها نعمت خدا را انکار می کنند (ا فبنعمة الله یجدون).

اشاره به اینکه این تفاوتها در صورت طبیعی (نه صورت مصنوعی و ظالمانه)

تفسیر نمونه جلد ۱۱ صفحه ۳۱۵

از نعمتهای خدا است که برای حفظ نظام مجتمع بشری ایجاد شده است.

آخرین آیه مورد بحث که مانند دو آیه گذشته با کلمه الله شروع می شود، و بیانگر نعمتهای خداوند است، اشاره به مواهب او از نظر نیروهای انسانی و معاونان و کمک کاران، و همچنین روزیهای پاکیزه، می کند، و این حلقه های سه گانه نعمت را که در این سه آیه ذکر شده تکمیل می نماید، یعنی از نظام حیات و مرگ، شروع کرده، سپس تفاوت روزیها و استعدادها را که نظام تنوع زندگی است بیان می کند، و با آیه مورد بحث که ناظر به نظام تکثیر مثل بشر، و روزیهای پاکیزه است پایان می گیرد.

می گوید: «خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد» (و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً).

همسرانی که هم مایه آرامش روح و جسمند و هم سبب بقاء نسل. لذا بلافاصله اضافه می کند و از همسرانتان برای شما فرزندان و نوهها قرار داد (و جعل لکم من ازواجکم بنین و حفدة).

بعد ←

↑ غرت

→ قبل